

یک بار دیگه به دوره آموزشی زومه خوش اومدید.

قبلا با ایده ی شخص اهل صلح آشنا شدید. در این جلسه وارد جزئیات بیشتری میشیم درباره اینکه این شخص کی میتونه باشه و وقتی شخصی اینچنینی رو پیدا کردید، چطور بفهمید. یک شخص صلح جو میتونه کمک کنه ب سرعت شاگردسازی رو تکثیر کنید حتی در جایی که پیروان عیسی کم هستند.

وقتی عیسی شاگردانش رو به سرزمین جدیدی فرستاد، به فرمان ساده اما استراتژیک داد.

عیسی گفت: کیسه پول یا کوله بار یا کفش برنگیرید، و در راه کسی را سلام مگویید. به هر خانه ای که وارد می شوید، نخست بگویید: "سلام بر این خانه باد." اگر در آن خانه کسی از اهل صلح و سلام باشد، سلام شما بر او قرار خواهد گرفت؛ وگرنه، به خود شما باز خواهد گشت. در آن خانه بمانید و هر چه به شما دادند، بخورید و بیاشامید، زیرا کارگر مستحق دستمزد خویش است. از خانه ای به خانه دیگر نقل مکان نکنید.

اما معنی همه اینها چیه؟

وقتی به شاگردسازی فکر می کنیم، اولین چیزی که بهش فکر می کنیم ممکنه این باشه که – بهتره امور مالی مون رو مرتب کنیم، به هدف واضح انتخاب کنیم، و به برنامه مشخص برای عمل داشته باشیم. اگر عیسی گفت: برید! بهتره بریم و به رفتن ادامه بدیم! به همه بگیم! در هر جا! در هر زمان!!!

اما عیسی در دستوراتش بنظر میاد خیلی کمتر نگران مسائل مالی و اشتیاقه و خیلی بیشتر نگران تمرکز.

عیسی میخواست شاگردانش دنبال یک شخص صلح جو بگردند و برای او سرمایه گذاری کنند.

وقتی میخواید در جایی که شاگرد زیادی نیست و یا اصلا شاگردی نیست، شاگردسازی کنید، اونوقت در پی شخص صلح جو بودن ممکنه مهمترین کار برای انجام دادن باشه.

یک شخص صلح جو کیسه که:

نسبت به شنیدن داستان شما، داستان خدا و خبر خوش عیسی باز و پذیراست.

مهمون نوازه و شما رو تو خونه یا محل کار یا رویدادهای مشترک با خانواده و دوستان می پذیره.

دیگران رو میشناسه با دیگران میشناسنش و مشتاق اینه که به گروه کوچیک یا حتی به جمعیت رو دور هم جمع کنه.

وفاداره و اونچه که یاد میگیره رو به دیگران منتقل می کنه، حتی بعد از اینکه شما رفتید.

در کتاب مقدس ما یاد میگیریم که عیسی و پیروانش اشخاص اهل صلحی رو میدیدند که یکم غیرمنتظره بودند.

در ناحیه جدریان، عیسی مرد دیورده ای رو دید که در انزوا و در زنجیر زندگی می کرد. ما هیچ وقت به او بعنوان مرد اهل صلح فکر نمی کردیم، اما او نسبت به شنیدن از عیسی باز بود. او مهمون نواز بود و عیسی رو به جایی که زندگی میکرد پذیرفت. او مشهور بود و میتونست به راحتی جمعیتی رو جمع کنه – حتی اگر فقط بخاطر رفتار غیرطبیعی و زشتش میبود. و عیسی دید که او وفاداره و اینکه عیسی برایش چه معنایی داشت رو با خانواده اش، جامعه اش و همه کشورش درمیان گذاشت. درواقع وقتی عیسی به اون ناحیه برگشت، جمعیت بزرگی جمع شده بودند و هیجان داشتند مردی رو ببینند که زیاد درباره اش شنیده بودند.

در سامره، عیسی زنی رو سر چاه دید. او نسبت به عیسی پذیرا بود و تمایل به مهمون نوازی داشت و درخواست عیسی برای نوشیدن رو جواب داد. میبینیم که 5 تا شوهر داشته و هنوز با مرد دیگه ای زندگی میکرد، پس تو به شهر کوچیک مطمئن بود که دیگران میشناسنش. بعد از اینکه عیسی باهاش صحبت کرد، اونقدر زیاد و سریع انتقال داد که همه شهر از عیسی خواستند بمونه و با اونها هم صحبت کنه. و عیسی اینکارو کرد.

پس اگر شخص اهل صلح میتونه تقریبا هرجایی زندگی کنه، تقریبا هرکاری بکنه و تقریبا هرکسی که میشناسیم یا میبینیم باشه، چطور یک نفر اینچینی رو پیدا کنیم؟

سه راه ساده وجود داره –

ما از افراد درون جامعه میخوایم بهمون توصیه کنن که اینجا کی قابل اعتماد؟ آیا تو این مکان کسی هست که قبل از خودش به دیگران فکر کنه؟ اگر یه اسم رو بارها و بارها شنیدیم – سعی می کنیم او رو ببینیم، ایده های روحانی رو باهاش درمیان بذاریم و ببینیم آیا برای شنیدن و انتقال، باز هست یا نه.

ما پیشنهاد دعا برای شخص میدیم، درحین دعای پیاده یا سر کار یا موقع بازی – خلاصه هر جا که فرصتی باشه – و بعد اون دعا رو به یه گفتگوی روحانی تبدیل می کنیم.

ما ایده های روحانی رو در هر مکالمه ای معرفی می کنیم تا ببینیم آیا خدا داره تو زندگی شخص کار میکنه یا نه. اگر اونها پذیرا و مشتاق باشند، اونوقت از شون میپرسیم که آیا میخوان یه گروه رو جمع کنند تا حتی بیشتر صحبت کنیم.

توصیه بخواید، پیشنهاد دعا بدید، ایده های روحانی رو معرفی کنید. اینها همه راههایی هستند که میتونیم پروسه پیدا کردن یک شخص اهل صلح رو شروع کنیم.

و مهم نیست چطور اون اشخاص رو پیدا می کنیم، یادتون باشه عیسی گفت شخص اهل صلح کسیه که ما باید بیشترین وقت شاگردسازیمون رو باهاش بگذرونیم.

این آسونه که فکر کنیم منصفانه ترین راه استفاده از وقتمون اینه که یکم از خودمون رو صرف هرکس بطور مساوی کنیم. اما عیسی گفت و نشون داد که ازمون نمیخواد با همه سطحی باشیم، بلکه میخواد به عده کمی عمیقا بدیم و منتقل کنیم.

عیسی اغلب جمعیت زیادی از مردم رو جذب می کرد، اما کتاب مقدس بارها و بارها به ما میگه که عیسی از اون جمعیت فاصله می گرفت تا بیشتر وقتش رو با 12 نفر از نزدیکترین پیروانش بگذرونه.

دفعات زیادی عیسی حتی وقت بیشتری رو صرف یک گروه کوچکز سه نفره میکرد.

اگر عیسی که قدرت، انرژی، اقتدار، انضباط، حکمت، دانش، درک و شفقت خیلی بیشتری داشت، انتخاب کرد که وقتش رو عمیقا صرف تعداد کمی کنه و به شاگردانش گفت که همین کارو کنند، آیا قابل درک نیست که ما هم باید الگوی کامل عیسی رو پیروی کنیم و انتقال بدیم؟

شخص اهل صلح.

این اشخاص راحت پیدا نمیشن – شاید یه نفر از هزار نفر. اما مثل گنج مخفی که ارزش جستجو رو داره، ارزش اونها در رشد خونواده خدا قابل سنجش نیست.